

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۴ اپریل ۲۰۲۲

## نظم نوین جهانی بر گور بربریت امپریالیسم غرب رقم می‌خورد

حزب ما در تحلیل خود در مورد رخدادهای اوکراین به صراحت اشاره کرد که در پشت این رویدادها ما با تحولات ژرفتری روبه رو هستیم که تمام جهان را تکان خواهد داد. با الهام از این تحلیل ما بر آن بودیم که اوضاع جهان کنونی را بر اساس وضعیت ژئوپلیتیک، خصلت سیاسی و متحول دوران کنونی در جهان یعنی سربرآوردن چین، مقاومت روسیه پس از فروپاشی، جدائی هند از غرب و انقلاب ایران و تحولات منطقه باید بررسی کرد. بدون درک این تحولات که منجر به عصر جدیدی در دنیا خواهد بود، کسی نمی‌تواند در طرف درست تاریخ قرار بگیرد و انتخاب درستی انجام دهد. توازن قوای جهان برهم خورده است و این را واقعیت نشان می‌دهد. اروپای سر به زیر دیگر نمی‌تواند آینده خود را به سرنوشت در حال افول امریکا گره زند. آسیا مجدداً به پا می‌خیزد و می‌رود که ارزش‌های دیگری را برای جامعه جهانی تعریف کند که متکی بر «موی بلوند» و «چشم آبی» نباشد و عمیقاً دوستی را به جای نفرت نژادی جایگزین نماید. هندی، ایرانی، افغان، سری لانکائی، عرب، ترک، اندونزیائی و... همانقدر ارزش داشته باشند که یک اوکرائینی، المانی و یا سویدنی ارزش دارند. انسان انسان است و پناهنده پناهنده، مهم نیست که در کجا، با چه رنگ و مذهب، با چه زبان و آداب و رسومی به دنیا آمده‌اند.

نزاعی که امروز درگرفته است بر سر «کنیف» نیست گرچه «کنیف» بخشی از آن است. این نزاع می‌خواهد به نظمی که امریکا بر جهان با تجاوز به کشورها، با نقض منشور ملل متحد، با تجاوز به حق حاکمیت و تمامیت ارضی آنها تحمیل کرده است و امریکا را آقای جهان جا می‌زند خاتمه دهد. نظمی که می‌رود جا بیفتد و به حاکمیت و امپراتوری دالر این کاغذ پاره بدون پشتوانه پایان دهد و مانع شود که امریکا از طریق سازوکار چاپ و انتشار این پول، دسترنج مردم جهان را چپاول کند. جهان دیگر نباید و نمی‌تواند به مستعمره ناتو بدل شود. ناتو یک پیمان تجاوزکار نظامی برای برده کردن همه ملل است که سرکردگی آن را امریکا با تهدید به قتل و کشتار با پهباد و یا بدون پهباد، با ترویج تروریسم و استفاده از وسایل کشتار جمعی در دست دارد و برای پیشروی آن به سمت شرق کره زمین حد و مرزی نمی‌شناسد. پیشروی ناتو به سمت شرق در دوران صلح و کشتادن ممالکی که روسیه را محاط کرده‌اند آشکارا فرمان جنگ است و فقط نابینای سیاسی خود را به تجاهل می‌زند و همراه و همزبان تبلیغات امریکا می‌شود.

جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده، روز دوشنبه گذشته در تاریخ ۲۸ ماه مارچ ۲۰۲۲ با شرکت در جلسه سه ماهه مدیر عامل میزگرد تجاری در واقع ماهیت جنگ در اوکراین را با اظهارات خویش برملا ساخت. هدف امریکا از

جنگ در اوکراین صلح نیست و همان تجاوز به روسیه از طریق گسیل ناتو به سمت شرق است. وی از «نظم جهانی نوین» صحبت کرد که با توجه به ظهور چین، قدرت گرفتن روسیه، مقاومت ممالک جهان در مقابل قلدرمنشی آمریکا در حال حاضر متزلزل شده است و این مغایر اصول سیاست خارجی امریکا است که باید «امریکا اول» باشد. آمریکا خواهان به درازا کشاندن جنگ در اوکراین است تا به زعم خودش روسیه را بر اساس آئین برژنسکی مشاور امنیتی جیمی کارتر به زانو در آورد و چین را خفه کند، جاده ابریشم را به گور بسپارد و مقررات خود را به ایران، هندوستان و به سایر مردم سه قاره مجدداً دیکته نماید.

امروز روشن است که جنگی که در اوکراین درگرفته است علی رغم میل اروپای قاره می‌باشد. هم المان و هم فرانسه داوطلبانه به آن نپیوسته‌اند. آمریکا عملاً در این جنگ از طریق ناتو شرکت دارد. آنها اوکراین را مدت‌ها قبل **ناتوئیزه** کرده بودند و ارتش آنها را در رزمایش‌های ناتو به عنوان مهمان عملاً شرکت می‌دادند. ارتش اوکراین در اسرائیل تعلیم می‌دید و پایگاه‌های نظامی عدیده با ذخایر عظیم مهمات جنگی و مدرن در اوکراین «بی‌طرف» و «مورد تجاوز» انبار کرده بود. آمریکا از طریق شبکه اطلاعاتی و تصاویر ماهواره‌ای، با شرکت مستقیم سربازان امریکائی و با ارتش خصوصی شرکت‌های خصوصی امریکائی، زیر نظر پنتاگون در نبردهای شرق اوکراین شرکت دارد. تصاویر فراوانی از آنها در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌گردد. گردان‌های متعلق به نازی‌های آروف با الهام از رهبر معنویشان «استپان باندرا» که همدست هیتلر بوده و در ارتش هیتلر به ضد شوروی سوسیالیستی در جنگ جهانی دوم می‌جنگید از طریق امریکائی‌ها و ناتو آموزش نظامی دیده‌اند. آنها در جنگ اوکراین از مردم عادی روس‌تبار اوکراین برای مقابله با سربازان روسیه به عنوان **سپر بلا** استفاده کرده و در موقع فرار آنها را نژادپرستانه به قتل می‌رسانند. این ارتش آروف یک باند جنایتکار است که بیش‌تر در منطقه غربی مشهور به گالیسی در اوکراین رشد یافته و حضور دارند و در کودتای «مایدان» در «کنیف» در سال ۲۰۱۴ زیر نظر خانم «ویکتوریا نولاند» (Victoria Nuland) دستیار سابق امور اروپائی و اورآسیای وزارت خارجه ایالات متحده - و شخصی پرسابقه در وزارت امور خارجه ایالات متحده - دست داشتند. آنها پارلمان دموکراتیک و منتخب مردم اوکراین را مسلحانه اشغال کرده و با ضرب و جرح نمایندگان آنها را از مجلس بیرون ریخته و انتخابات قلابی خود را با تهدید و ارباب حاکم از جانب نازی‌ها به انجام رساندند. در اوکراین در زیر نظر ناتو یک کودتای ارتجاعی و ضدبشری نظامی صورت گرفت که هرگز مشروعیت نداشته و ندارد و نماینده عامه مردم اوکراین نیست. مردم اوکراین در یک انتخابات دموکراتیک زیر نظر ناظران جهانی و از جمله اتحادیه اروپا که با قلدری در آن شرکت کرده بود، آقای ویکتور یانوکویچ را انتخاب کردند که قربانی کودتا گردید.

جو بایدن در سخنرانی اخیر خود بیان کرد: «همانطور که یکی از رهبران نظامی ما در یک نشست امنیتی اخیر به من گفت، ۶۰ میلیون نفر بین سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۰۰ جان خود را از دست دادند و از آن زمان ما نظم جهانی لیبرالی ایجاد کرده‌ایم که نظیرش مدت‌هاست دیده نشده است» و سپس افزود: «خیلی‌ها جان خود را از دست داده‌اند اما تقریباً تا به این اندازه جهان در هرج و مرج نبوده است و اکنون زمان تغییر همه چیز است».

سیاستی که امروز به اینجا کشیده است و مبنائی برای تغییر نظم جهانی خواهد شد از مدت‌ها قبل اعمال می‌شود. «جورج کنان» (George F. Kennan) دیپلمات، سیاستمدار، دانشمند و مؤرخ امریکائی و مشهورترین معمار و مدافع سیاست **مهارج** شوروی در طول جنگ سرد به ضد شوروی، در مصاحبه‌ای به تاریخ دوم ماه مه سال ۱۹۹۸ با روزنامه نیویورک تایمز با پیش‌بینی شرایط امروز در مخالفت با گسترش ناتو به سوی شرق هشدار داد و بیان داشت:

«این گسترش، آغاز جنگ سرد جدیدی است. روسیه به آن واکنش نشان خواهد داد. پیگیری این روند، اشتباهی ترازیک است.»

وی در عین شاهدبودن پیوستن جمهوری چک، پولند، هنگری، جمهوری‌های منطقه بالتیک و رومانی به ناتوی تجاوزکار اظهار داشت: «اما بدترین اقدام امریکا کوشش برای به عضویت درآوردن گرجستان و اوکراین در پیمان ناتو بود که مسأله اصلی و حیاتی امنیت ملی روسیه به شمار می‌رفت». پس روشن است که سیاست امریکا با این پیش‌زمینه تاریخی از سال‌ها قبل یعنی پس از جدائی اوکراین از فدراسیون روسیه با نقض روح منشور ملل متحد و تهدید امنیت کشور همسایه، طرح‌ریزی شده است و ربطی به واکنش اخیر روسیه در مقابل هجوم نازی‌های حاکم در اوکراین برای نسل‌کشی روس‌تبارها در اوکراین ندارد. کاسه صیر روس‌ها زمانی لبریز شد که صدای تیزکردن چاقو برای بریدن سرخود را در مرزهای اوکراین شنیدند و مصمم شدند دستان این نازی‌های گردن‌زن و چاقوکش را برای همیشه در اوکراین برای امنیت کشور همسایه قطع کنند. مگر این حق طبیعی را حتی همین منشور ملل متحد در فصل یک و در بند ۵۱ به رسمیت نشناخته است؟: «ماده ۵۱- در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد هیچ‌یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود، خواه فردی یا دسته جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. اعضاء باید اقداماتی را که در اعمال این حق دفاع از خود به عمل می‌آورند فوراً به شورای امنیت گزارش دهند. این اقدامات به هیچ‌وجه در اختیار و مسؤلیتی که شورای امنیت بر طبق این منشور دارد و به موجب آن برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی و در هر موقع که ضروری تشخیص دهد اقدام لازم به عمل خواهد آورد، تأثیری نخواهد داشت.»

جالب است این بار این واکنش روسیه با وضعیت سیاسی جدیدی در دنیا مواجه شده است و آن این که علی‌رغم مصیبت‌ها، نابسامانی‌ها، تلفات جانی انسان‌ها و آوارگی‌هایی که این جنگ به بار آورده است، که صد البته با هوچی‌بازی‌ها و دروغ‌سازی‌ها و تبلیغات انحصارات امپریالیستی نیز همراه است، می‌رود که جهان به وضعیت کنونی، یعنی برتری قوای انگلوساکسن‌ها پایان دهد. البته نظم نوین جهانی بعد از فروپاشی شوروی آغاز شد و حمله به یوگوسلاوی در مغایرت کامل با همه موازین جهانی و منشور ملل متحد اقدام نخست برای خودنمایی و نمایش قلندری در این عرصه بود. آنها حتی بلگراد پایتخت غیرنظامی یوگوسلاوی را بمباران کردند و سفارت چین را با خاک یکسان نمودند. یوگوسلاوی به کشورهای قابل بلع تقسیم شد، همان خوابی که تجزیه‌طلبان جاسوس برای ایران دیده‌اند. سرنوشت یوگوسلاوی باید برای همه جهان سرمشق می‌شد که چگونه می‌شود با نقض همه حقوق جهانی و منشور ملل متحد که فاقد هرگونه ارزش عملی است جهان را بر اساس اراده امریکا تقسیم کرد. در این جنایت رژیم جمهوری اسلامی حداقل آن زمان که اصلاح‌طلبان معترض کنونی در آن شرکت داشتند، شریک بود و در خارج مرزهای ایران با امپریالیسم امریکا در قتل و جنایت همکاری می‌کرد. این اصلاح‌طلبان نوکر امریکا، در آن دوران به سیاست خارجی ایران که در راستای سیاست‌های امپریالیسم غرب در یوگوسلاوی و لیبیا بود کوچکترین اعتراضی نداشتند و آن را تقویت می‌کردند.

«کلاوس کینکل» (Klaus Kinkel) که از تاریخ ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۸ وزیر امور خارجه آلمان و از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۲ رئیس سازمان جاسوسی آلمان محسوب می‌شد در فردای تجاوز به یوگوسلاوی و تجزیه این کشور به صراحت بیان کرد که آلمان هرگز به مرزهایی که بعد از سال ۱۹۱۷ در جنگ جهانی اول و انقلاب اکتوبر در روسیه که به قهر در جهان کشیده شده است، تن در نخواهد داد و همه مرزها باید به تاریخ قبل از این رویدادها برگردانده شوند. یعنی آلمان تمامیت ارضی پولند، جمهوری چک را نیز به رسمیت نمی‌شناسد. از همان تاریخ گروه‌های نازی را در آلمان تقویت کردند و

به آنها تعلیمات نظامی دادند تا به عنوان ارتش غیررسمی در جنگ‌ها شرکت کنند و هزاران نفر از این جانین را در جنگ یوگوسلاوی مورد استفاده قرار داده و امروز از همان‌ها با سربازگیری در کوزوو برای شرکت در جنبش حمایت از نازیسم در اوکراین استفاده می‌کنند. سیلی از مهمات جنگی روزانه به اوکراین سرازیر می‌شود و روسیه در واقع با نازی‌هایی در حال جنگ است که توسط ناتو و در رأس آنها آمریکا تا دندان مسلح شده‌اند. جنگ در اوکراین جنگ با آمریکا برای استقرار نظم نوین در جهان است و برای همه دولت‌ها و ملت‌ها و حتی طبقه کارگر در جهان سرنوشت‌ساز بوده و جنبه حیاتی دارد.

پیروزی ناتو پیروزی ارتجاع مطلق، پیروزی استعمار و نئولیبرالیسم و میلیتاریسم عریان است، ولی شکست ناتو گرچه نابودی امپریالیسم و سرمایه‌داری را در بر ندارد ولی فضائی ایجاد خواهد کرد که امکان رشد کشورها و مبارزه طبقاتی را فراهم می‌آورد. فضای چند قطبی بیشتر قابل تنفس است تا فضای خفقان‌آور یک‌قطبی که با امر و نهی شکل می‌گیرد و مملو از تحقیر و توهین است و سرنوشت کشورها، ملت‌ها و انقلاب‌ها در گرو تصمیم آقای جهان یعنی آمریکا و ناتوست. تضاد کار و سرمایه در بسیاری از ممالک در این فضا عمده می‌گردد و ما را به سوسیالیسم یک گام نزدیکتر خواهد کرد.

نظم نوین آمریکا با یوگوسلاوی شروع شد و با تجاوز به عراق به فرمان جرج بوش پدر رسماً اعلام گردید و از آن تاریخ عراق، لیبیا، افغانستان، سوریه، یمن و ایران و بسیاری از ممالک جهان قربانی این نظم نوین شدند که اکنون به بن‌بست رسیده است. دنیای بعد از سرکوب نازی‌ها در اوکراین دنیای قبل از آن نخواهد بود. امپریالیسم آمریکا حتی قادر نیست اکثریت ممالک جهان را در تحریم روسیه به دنبال خود بکشد. اتحادیه اروپا گرچه برای رفع ترس مرتب بر طبل وحدت می‌کوبد ولی این وحدت توخالی است زیرا فقط معنای نوکری و سرسپردگی آمریکا را به دنبال دارد و این امری نیست که بورژوازی امپریالیستی اروپا خواهان آن باشد. آمریکا حتی حاضر نیست به اروپا و متحدان خود کوچکترین امتیازی بدهد و خواهان سرسپردگی بلامنزاع آنها است.

جنگی که آمریکا برای ایجاد نظم نوین جهان برپا کرده است تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی را در برمی‌گیرد. این جنگ نه تنها در عرصه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی به پیش می‌رود، بلکه عرصه‌های ورزشی، هنری، تبلیغاتی، رسانه‌ای، قضائی، حقوقی، موازین بین‌المللی، مراجع جهانی، علمی، فضائی، کیمیاوی و میکروبی، هسته‌ای، تغذیه و مواد خوراکی، سوخت، همزیستی اجتماعی، نفرت‌پروری، نژادی و... را نیز در بر گرفته است. جنگ امریکائی بسیار کثیف، ضدانسانی و خطرناک است و موجودیت کره زمین را تهدید می‌کند. جنگ آمریکا مغزها را با انحصار رسانه‌های دروغگوی غربی نشانه گرفته است مغزهای انسانها را مرتب و مستمر در روز و شب بمباران تبلیغاتی می‌کند و انباری از جعلیات و دروغ تحویل مردم جهان می‌دهد و این خود نشان می‌دهد که امپریالیسم آمریکا از مردم نیروی لایزال آنها می‌ترسد و تحمیق و تهدید آنها را در سرلوحه فعالیت‌های خویش قرار داده است. روشن است که خلق‌ها و طبقه کارگر جهانی باید به این لجام گسیختگی ناتو افسار بزنند و انحلال ناتو را برای استقرار صلح در جهان طلب کنند. ناتو باید منحل شود، اوکراین باید به خواست‌های منطقه‌ای روسیه که بر اساس امنیت و احترام متقابل است تن در دهد و ممالک اروپا باید بتوانند آزادانه، بدون فشار آمریکا و ممالک قدرتمند اروپا نظیر انگلستان در بی‌طرفی کامل در احترام به حقوق اقلیت‌ها زندگی شرافتمندانه‌ای را آغاز کنند.

باید بنای جامعه «متمدن» «موبلوندها» و «چشم آبی‌ها»، جامعه‌ای که با آموزش نژادپرتر و نفرت ضدبشری بنا شده است و هر روز در رسانه‌ها و فیلم‌های سینمایی تبلیغ می‌گردد در هم شکسته شود، باید جامعه اختراعی دروغین متکی بر «دموکراسی و ارزش‌های انسانی» که به عنوان «جامعه ارزشی» به خورد مردم می‌دهند و آن را دست‌آورد اروپا و

غرب و استاندارد زندگی بشریت معرفی می‌کنند افشاء شود. این است آن نظم نوین جهانی که باید برگور نظم قدیم جهانی امریکا و انگلستان و اسرائیل برپا شود.

مردم جهان با افق‌های تازه‌ای از مبارزه امیدبخش روبه رو می‌شوند. تفاهم برای واکنش روسیه نسبت به تهدید امنیتش، هرگز حمایت از ماهیت امپریالیستی روسیه نیست، مسرت سیاسی از وضعی است که اتحاد امپریالیست‌های غرب را درهم می‌ریزد، به تکبر نژادپرستانه آنها خاتمه می‌دهد و در مکتب تاریخ به آنها می‌آموزد که فروتنی را پیشه کنند، به حمایت از پیشینه استعماری خویش و تبریئه این دوران تاریک بشریت نپردازند و به حقوق بشر و بشردوستی احترام بگذارند و توجه کنند اوکرائینی و ایرانی، سویدنی و عراقی، امریکائی و یمنی همه انسان بوده و داری حقوق مساوی هستند.